



23 اکتوبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی به رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع"

[قبل از صحبت بر موضوع اصلی لازم میدانم به تصحیح دو نکته در سلسله مقاله قبلی خود "شرح مختصر پیرامون اعلامیه تحت عنوان: کشف الحال نادر بقلم اعلیحضرت امان الله خان" پردازم: در قسمت اول - صفحه اول، پراگراف دوم سطر آخر یک اشتباه تایپی صورت گرفته که شماره 14448 باید به 14484 تصحیح گردد و در قسمت هشتم - صفحه 3، فقره 7: "همگی اهالی امرا که شرعاً..."، کلمه "امرا" باید به "امرد" (به معنی پسر نابالغ یا برهنه صورت) تعویض و اصلاح شود؛ با تشکر از دوستانیکه مرا متوجه این دو نقیصه ساختند.]

اعلامیه تحت عنوان "کشف الحال نادر بقلم اعلیحضرت امان الله خان" که 90 سال قبل از دري به اردو ترجمه واز جانب حامیان آن شاه در هند برتانیوی تکثیر و توزیع شده بود و بعداً متن اردو بوسیله مرحوم استاد محمد ابراهیم صفا مجدداً به دري ترجمه و در روزنامه انیس از شماره 14484 تا 14491 (مورخ 29 تا 28 جوزای 1357) در دوره خلقی - پرچمی چاپ شد، اخیراً متن مکمل آن بوسیله آقای قاسم آسمانی در وبسایت وزین افغان جرمن آنلاين (مورخ 30 سپتمبر 2021) باز نشر گردید و مورد توجه بعضی از علاقمندان تاریخ کشور قرار گرفت که تبصره هایی بر آن نوشتند. من هم به نوبه خود در این ارتباط به شرح و بسط مطالبی پرداختم که در هشت قسمت در همین پورتال سر از تاریخ 11 اکتوبر 2021 اقبال نشر یافت. بعضی ها هنوز هم شک دارند که مبدا متن آن اعلامیه حین ترجمه از اردو به دري ویا سپس حین باز نشر آن مورد تحریف و تصرف قرار گرفته باشد، لذا به تبصره هایی در زمینه پرداخته اند. از جناب دانشمند گرامی آقای فضل الرحمن فاضل (سابق سفیر کبیر افغانستان در مصر) کمال امتنان دارم که همین امروز ضمن یک تبصره کوتاه لینک یک رساله ای تاریخی را تحت عنوان "تردید شایعات باطله شاه مخلوع - عین فیصله نمره 5 لویه جرکه 1309" که بتاریخ اول حمل 1310 در کابل به چاپ رسیده است، در اختیار علاقمندان قرار دادند که دیگر هیچ شک و تردیدی در مورد اصلیت اعلامیه شاه پیشین امان الله غازی و ترجمه بعدی آن باقی نمی ماند.

جناب آقای فاضل در تبصره کوتاه خود می نویسند: «آنچه دانشمند محترم داکتر صاحب کاظم بر اعلامیه شاه امان الله خان تحت عنوان «کشف الحال نادر...»، ترجمه شادروان محمد ابراهیم صفا شرح و بسط داده اند و آقای سیستانی نیز بر آن تبصره سودمندی نگاشته اند، صحت انتسابش به شاه امان الله خان از آنجا به نظر من دقیق است که در لویه جرکه سال 1309 عهد محمد نادرشاه، وکیلان انتصابی به رد آن تحت عنوان شایعات پرداختند و رساله ای تحت عنوان "تردید شایعات باطله شاه مخلوع، عین فیصله نمره 5 لویه جرکه 1309" به زبان های فارسی در طرف راست و ترجمه آن به زبان اردو در سمت چپ در کابل انتشار یافته است که من متن فارسی و در مواردی ترجمه اردوی آن را جهت مقایسه با اصل مطالعه کرده بودم. خوشبختانه این رساله در دست است و خوانندگان محترم می توانند این رساله را در آدرس زیر ببینید و مطالعه کنند:

<https://www.loc.gov/resource/amedpllc.00406681798/?st=gallery>

آرزو مند مطالعه این اثر و مقایسه آن با اعلامیه اعلیحضرت شاه امان الله، بر همه شکها نقطه پایان بگذارد.»

در اینجا هدف نقد محتویات رساله فوق الذکر نیست، بلکه ارائه معلومات مختصر درباره بعضی مطالب مندرج آن در ارتباط با اعلامیه شاه امان الله غازی است که از ورای آن با قاطعیت معلوم میشود که این رساله بجواب ادعا های صورت گرفته است که در اعلامیه امان الله خان به نشر رسیده بود و این خود ثابت می سازد که محتوای اعلامیه حین ترجمه و یا باز نشر دستکاری و تحریف نشده است. برای این منظور و نیز جهت مزید معلومات درباره محتویات آن رساله اینک به ذکر بعضی نکات آن مختصراً می پردازم:

نخست درباره معرفی شکل و مندرجات رساله در صفحه روی مجلد آن نوشته شده است:

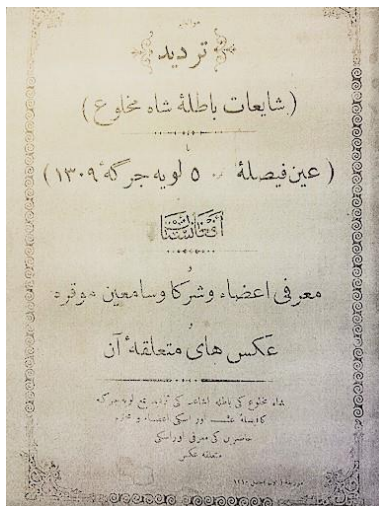
«تردید شایعات باطله شاه مخلوع با عین فیصله نمره 5 لویه جرکه 1309 افغانستان و معرفی اعضاء و شرکا و سامعین مؤقره و عکس های متعلقه آن» [در ذیل آن عین عبارات فوق به زبان اردو با حروف کوچکتر چاپ شده و در پایان صفحه در حاشیه طرف راست تاریخ چاپ رساله به نظر میرسد: اول حمل 1310]

محتویات رساله طوریکه در مآخذ فوق دیده میشود، به جمعاً 154 صفحه میرسد، اما مطالب منتشره تا صفحه 119 در آن دیده میشود و باقی صفحات همه سفید است.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ



در مطالب منتشره پس از ذکر هریک از ادعاهای مندرجه اعلامیه امان الله خان به شکلی که اول هر ادعا را و سپس به تردید هریک آن سطوری نگاشته که این مسایل از صفحه اول تا صفحه 35 را دربر میگیرد. از آن به بعد موضوع اعدام عبدالرحمن خان رئیس بلدیة دردوره محمدنادرشاه مطرح شده که در اعلامیه از او به حیث یکی از طرفداران شاه امان الله یاد شده، ولی با نشر سه صفحه از یادداشتهای قلمی عبدالرحمن خان موصوف در رساله چنین وانمود شده که قتل او به دلیل حمایتش از امان الله خان نبوده، بلکه او یک «خائن ملک و ملت» بوده است. از صفحه 45 تا صفحه 75 درباره لویه جرگه 1309 و انتخاب وکلا پرداخته شده که با نشر یک تعداد عکسها از وکلای هرو لایت و نیز کاپی امضای آنها در پای مصوبه های لویه جرگه و نیز متن نطق محمد نادرشاه حین افتتاح لویه جرگه به نشر رسیده است. از آن به بعد تا صفحه 116 اسامی وکلا و مامورین دولت و چند نفر از کوردپلماتیک مقیم کابل به قسم جدول چاپ شده و در پایان رساله از صفحه 117 تا 119 که ختم مطالب منتشره میباشد، معروضه علمای افغانستان راجع به "نشریه هایی باطله شاه مخلوع" درج گردیده و باقی صفحات سفید است.

اکنون طور نمونه به ذکر بعضی قسمت های رساله می پردازم که درباره تردید شایعات گویا "باطله شاه مخلوع" نگاشته شده است:

در صفحه شماره 1 رساله آمده است که: «امان الله خان در این روزها اعلانی شایع کرده و بعضی اعتراضاتی را که تا هنوز از مطبوعات وطن خارج نشده و سهو خطای نظریات و عملیات خودش نامیده میشود، تردید میکند و اعتراض حقیقی لویه جرگه را که در آتی عیناً شایع میشود، جواب نداده سرسری میگذرد، بر شخص نامور و ذات حمیده صفات نادرشاه که مجسمه دیانت و اخلاق است، اعتراض و هرزه سرائی میکند. ما بدون مبالغه و مدهانه میتوانیم بگوئیم، امروز نادرشاه افغان در دردیای بشریت صفات ستوده و پسندیده دارد که بجز امان الله خان و حبیب الله دزد هیچکس صفات این قهرمان ملت نجیب افغانرا انکار کرده نتوانسته است. امان الله خان در اعلان خود می نویسد: "فتوحات نادرشاه ازین بود که در ظاهر بنام امان الله خدمت میکرد و ملت را طرفدار امان الله دیده اعلان کرده بود که برای قیام دوباره سلطنت امان الله جهد میکند. از این رو ملت همراه و همدست نادر شاه شد و نادر شاه سقو را شکست داد محو ساخت."»

در جواب ادعای فوق چنین نوشته شده که: «امان الله خان بنظر ملت افغانستان منفور است» و در ذیل این جمله علاوه گردیده که: «ما بر عقل و دانش امان الله خان خیلی افسوس میکنیم و میگوئیم: ملت افغانستان بار دیگر بر عقل و دانش امان الله خان فریب نمیخورد..... تنفر اهالی افغانستان از امان الله خان باندازه نبود که شخص نادرشاه در موقع ورود بخاک افغان حرفی از امان الله خان بزبان آورده میتوانست. در کابل خلع امان الله و فرار او بقندهار و بعد از شکست غزنی فرارش به ایتالیا همه یک منظره دلربایی [؟] ملت و امان الله را بدنیا ظاهر ساخت.... و چنین یک دروغ سیاه چه طور از قلم امان الله برآمده توانست. اگر امان الله محبوب ملت بود، انقلاب کبیر افغانستان چرا بمیان آمد، خان و مان افغانستان با آتش انقلاب سوخت؟»

در ادامه آمده است که امان الله میگوید: «بنابراینکه نادرشاه وعده فرموده بود که نه خود و نه خاندان نادری اراده سلطنت دارند، ملت به نادرشاه امداد کرد و به امر او با سقو داخل محاربه شد [واما] بالآخره نادرشاه وعده خود را ایفا نکرد». در برابر این ادعا چنین پاسخ گفته شده است: «راست است که از طرف اعلیحضرت محمدنادرشاه در اوقاتی که او را مجبور میکردند که اعلان پادشاهی کند، محمدنادرشاه اظهار میفرمود که: "من برای پادشاهی افغانستان نیامده ام، بلکه من و خاندان من میخواهیم خدمت افغانستان را بجا آریم و وحشت سقو را دور کرده بانتخاب تمامی اهالی افغانستان پادشاه افغانستان را تعیین کنیم!" اگر امان الله خان ازین اعلان و اظهار نادرشاه اینطور فهمیده بود که بعد از امحای حکومت سقوی منتخب ملت امان الله خواهد بود، پس جای تعجب نیست که بگوئیم امان الله تمام عقل و فکر خود را باخته است. در موقعیکه پادشاه افغانستان بود، سقو زاده را بر او ترجیح دادند و او را از مملکت خارج کردند، چه طور میشود که بعد سقو او را انتخاب کنند...» (صفحه 4 - 5 رساله)

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

شاه سابق در اعلامیه خود محمد نادر خان را «جرنیل بی وفا و نمک ناشناس» خود یاد کرده، در جواب در رساله آمده است که: «اولین بیوفا و نمک ناشناس امان الله خان بود» و در شرح آن به این نکته اشاره شده که: «خود امان الله بمقابل اعلیحضرت شهید [منظور امیر حبیب الله خان سراج الملة والدين است، در حالیکه تاریخ گواه است در آن شب شهادت کی به حیث امرگارد محافظ امیر ایفای وظیفه میکرد؟ - کاظم] نمک ناشناس و بی وفا ترین آدمهای این دنیا است... (صفحه 8 رساله)

از جمله سؤاها و ادعای های مندرج اعلامیه امان الله خان یکی هم سؤال است که امان الله خان میگوید: «نادر شاه امنیت را قایم کرده نمیتواند، چرا [زیرا] که بملت وعده داده بود که برای امان الله خدمت میکند»؛ در برابر این ادعا در رساله شرحی ارائه شده که این گفته را رد میکند و می پرسد: «امان الله خان خیال میکند امنیت افغانستان به پادشاهی امان الله منوط است، مگر امان الله ده سال پادشاه نبود، چرا امنیت را قائم نکرد؟» و مثالهای در زمینه نامنی ها در آنوقت ارائه میدارد. (صفحه 10 - 11 رساله)

همچنان در رساله به این گفته امان الله خان اشاره شده که: «نادر شاه تمام ماموریت ها را به برادران و اقربای خود تفویض کرده است و بدیگران هیچ یک منصب اعلی نمانده، بجز چیراسی گری!» در این ارتباط در رساله ضمن یادآوری از خدمات برادران نادر شاه در سرکوب قیام سقوی خاطر نشان گردیده که: «آیا محمدنادر شاه برادران خویش را که ملت آنها را از جان دوست تر دارند، خانه نشین میکرد و خدمات برادران خود را تقدیر نمی فرمود و ملت و مملکت را از مساعی شان محروم می ساخت؟... محمد نادر شاه بر خاندان خود اعتماد کامل دارد و دیانت و اخلاق و فداکاری برادران نادر شاه بحضور ملت نیز ظاهر است و ملت نیز بر برادران محمدنادر شاه اعتماد کامل داشته و دارد، لیکن اقربا نوازی بیجا از امان الله بود که ما نمیخواهیم تشریح کنیم...» [استحکام سلطنت خانوادگی و مقرری سایر افراد خانواده در مقامات عالی کشور بسیار فراتر از مقرری سه برادر میرود و شامل حال همه خانواده میگردد - کاظم] (صفحه 14 رساله)

همین طور در رساله به این که امان الله خان میگوید: «من علما را هیچ نگفته ام حتی در حق علمای سوء هم بدگویی نکرده ام، صرف ملاهائیکه سقو را تقویت و مرا کافر گفته اند، بد گفته ام». در این ارتباط شرحی با ذکر نام علمای دینی که علیه اصلاحات و در برابر شاه امان الله غازی دست به تحریک زده بودند و شاه آنها را از خود دور کرده و بعضی شانرا محکوم به جزاء نموده بود، تذکراتی بعمل آمده که از جمله از عده ای علما نام برده شده مثلاً مولوی فضل ربی، شیخ پاشای اسلام پوری، از حضرات فضل عمر مجددی [نورالمشایخ]، محمد صادق مجددی و محمد معصوم مجددی و عده ای از علمای دیوبندی. در این ارتباط در رساله تصریح شده که: «الحمد لله امروز علمای افغانستان چه در مرکز و چه در اطراف و اکناف مملکت قدر و منزلت دارند؛ چون از اعمال ناصواب امان الله خویشتر اطلاع دارند، تماماً به تردید این اعلانش پرداخته اند و همه ادعاهای او را بشدت تکذیب کرده اند...» (شرح مزید در صفحات 16 تا 19 رساله)

در مورد اینکه امان الله خان در اعلامیه خود درباره تبادل زمینهای "عین المال" به دو فابریکه تذکر داده و نیز اینکه در طول حیات خود در وطن هیچگاه به عیاشی نپرداخته، در رساله مطالبی نگاشته شده که با متن مصوبه لویه جرگه 1309 مشابیهت تام دارد، چنانکه لویه جرگه به جواب درخواست امان الله خان در مورد جایزادهای خودش و ملکه ثریا بیان کرده بود. در رساله آمده است که: «برین نمک ناشناسی امان الله جای افسوس است که چرا ما ملت را اینقدر بخیل و خود را کفایت شعار معرفی میکند، مگر دنیا از خشت طلا و نقره ماندن زیر پای نورالسراج و حسن جان اطلاع ندارد؟ [نورالسراج در اول نامزد محمد هاشم خان برادر محمدنادر خان بود که شاهدخت موصوفه نامزدی خود را به دلیل مشخص فسق کرد و بعد در عقد پسر کاکای خود حسن جان درآمد که اینکار بر شدت اختلاف خانوادگی محمدنادر خان با شاه امان الله شدت بخشید - کاظم]؛ مگر امان الله در عروسی خواهر خود اساطیر و بدعت های متنوعه را اجرا نکرد؟ حالا حیا ندارد که می نویسد "از بیت المال برای گذران خود در مدت پادشاهی خویش چیزی نمیگرفتم"». (صفحه 20 تا 28 رساله)

از این به بعد محتوای رساله بحث را به ارتباط تشکیل لویه جرگه و گماشتن یک تعداد اعضای لویه جرگه بوسیله حکومت و سپس تشکیل شورای ملی می چرخاند و با ذکر گفته امان الله خان می پردازد که نمایندگان در آن لویه جرگه وکیل ملت نبودند، بلکه تعداد بوسیله حکومت دست چین شده بودند. در ادامه رساله باز هم مثل سایر موارد بر ادعای

امان الله خان در اعلامیه قلم رد کشیده و برعکس در وصف ماهیت مردمی اعضای آن لویه جرگه سخن گفته است. (برای شرح مزید دیده شود صفحات 29 تا 40 رساله)

بطور کل گفته میتوانیم که رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع" در واقع حیثیت یک "دفع دعوا" را دارد که صحت و سقم آنرا گذشت زمان از آنروز تا اکنون که 90 سال از آن سپری میشود، ثابت می سازد. اینکه تاریخ بر کدام ادعاهای مندرجه اعلامیه و رساله مهر تائید میگذارد، موضوعیست که آنرا بررسی رویدادهای دوره سه سال و چند ماه سلطنت محمدنادرشاه شهید و صدارت مطلق العنان 17 ساله سردار محمدهاشم خان و درعین زمان سردار شاه محمود خان وزیر حربیه که پایه دوم قدرت در آن مدت در افغانستان بودند، عیان است و ضرورت به بیان ندارد و همه از آن مطلع هستند.

در پایان این سؤال مطرح است که چرا این رساله در ستون دست راست بزبان دری و درستون دست چپ هر صفحه عین مطالب به زبان اردو نوشته شده و همانطور به چاپ رسیده است؟ جواب این سؤال واضح است، زیرا متن اعلامیه شاه امان الله که به دری نوشته شده بود، برای توزیع و تکثیر و همچنان برای مطالعه طرفدارن بیشمار او در هندبرتانوی به زبان اردو ترجمه گردید، لذا حکومت تصمیم گرفت تا "دفع دعوا" مندرج رساله را در عین زمان به زبان اردو نیز ترجمه و درجوار متن دری به نشر بسپارد تا به اطلاع حامیان شاه امان الله در هند برتانوی رسانیده شود و بدینوسیله از هیجان آنها به نفع انگلیسها کاسته شود. علاوه موفقیگیری این رساله واضح می سازد که بعضی نسخه های اعلامیه شاه سابق در انوقت به افغانستان رسیده و در اختیار بعضی ها قرار گرفته بود و مردم نیز از محتوای آن اطلاع یافته بودند که حکومت خواست با نوشتن رساله به نحوی تغییر در ذهنیت مردم ایجاد کند.

چنانچه در انوقت شایه شده بود که این رساله اساساً بوسیله شخصی منسوب به خانواد بنی اعمام محمدنادرشاه نوشته شده که موصوف در زمان سلطنت شاه امان الله در مقام های بالا قرار داشت و شاه را بنام "امان الله کبیر" و سپس امیرحیبب الله کلکانی را نیز به عین نام خطاب میکرد و در دوره سلطنت محمدنادرشاه واضح است که به حیث یکی از منسوبان خانواده سلطنتی در مقامهای وزارت و سفارت تا سالهای سال خدمت میکرد و شخص صاحب قلم و دانشمند بود و نام او را میگذارم به خوانندگان عزیز این نوشته که یا خود میدانند و یا اینکه باید آنرا جستجو نمایند. اما در متن رساله که متلکم متواتر از کلمه "ما" یاد کرده، نمایانگر آنست که گویا رساله از طرف شورای ملی جدیدالتشکیل آنوقت نوشته شده باشد(والله اعلم).

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ